

تحلیل دیدگاه مفسران فریقین در خصوص ولایت تکوینی اهل بیت علیهم السلام با محوریت مرگ

رقیه رضایی^۱

ابراهیم رضایی^۲

چکیده

با توجه به اینکه برای خداوند دو نوع ولایت تشریعی و تکوینی وجود دارد. و این ولایت ها در درجه بعدی برای پیامبر اکرم و اولوالأمر قرار داده شده است. قطعاً این ولایت ها آثار زیادی برای مخلوقات به بار می آورد، که یکی از بارزترین نمادهای آن، در لحظه احتضار انسانها می باشد. پژوهش حاضر بر آن است تا ابتداء به محدوده ولایت تکوینی پیامبر اکرم و جانشینان بزرگوار شان از نگاه مفسران فریقین بپردازد و در ادامه به آثار این نوع از ولایت در آستانه مرگ انسانها اشاره ای داشته باشد.

باور به مرگ و رحلت از دنیا یکی از مشترکات همه ادیان الهی است. اسلام به عنوان دین خاتم، با تأکید بر آیات قرآن، به این موضوع پرداخته است. علاوه بر آیات قرآن، روایات فریقین نیز بر تحقق این اراده الهی دلالت دارند. تفاوت دیدگاه‌های ادیان الهی و حتی فرق اسلامی در این زمینه، ناشی از حوادثی است که در لحظات جان‌کندن انسان‌ها رخ می‌دهد. یکی از مهم‌ترین این حوادث، حضور پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت ایشان در لحظه جان‌کندن افراد است. کیفیت حضور و نوع دریافت آثار ولایت این بزرگواران در انسان‌ها متفاوت است. این پژوهش با روش توصیفی، تحلیلی، بر آن است تا با واکاوی مفاهیم آیات و روایات و نقد دیدگاه‌های مفسران فریقین، به کیفیت حضور ائمه بزرگوار و نوع درک این حضور برای انسان‌ها با دیدگاه‌های متفاوت بپردازد. از جمله مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، این است که افراد با ایمان به ولایت پیامبر خاتم و خاندان پاکش و بهر مندی از ولایت تکوینی این بزرگواران، از سختی‌های هنگام جان‌دادن در امان هستند. حسرت‌ها و نگرانی‌هایی زیادی است، که لحظه احتضار گریبانگیر بسیاری از افراد می‌شوند، اما برای پیروان پیامبر خاتم و اهل بیت مطهرش وجود ندارد. در نتیجه پرداختن به این موضوع بر اساس آیات و روایات، نشان‌دهنده برکات و آثار پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام در لحظات آخر عمر است.

کلید واژه‌ها: آستانه مرگ، احتضار، آثار ولایت تکوینی، دیدار اهل بیت

مقدمه و بیان مسئله

آیا تا به حال به این اندیشیده‌اید که در لحظات پایانی زندگی، چه چیزی بیش از همه به آرامش و اطمینان خاطر انسان کمک می‌کند؟ مرگ، حقیقتی انکارناپذیر در زندگی هر انسانی است که با توجه به آموزه‌های اسلامی آستانه ورود به دنیای نو و مواجهه با زندگی جدید است. اما آنچه اهمیت دارد، کیفیت گذران عمر و آمادگی برای این رویداد بزرگ است. با واکاوی آیاتی مانند ۹۳ سوره انعام، که برخورد ملائکه با کفار در هنگام غمرات موت، را مطرح کرده است و مقایسه آن با آیاتی مانند ۸۹ واقعه، هنگام جان‌کندن و رفتن از دنیا به عالم برزخ اتفاقات مختلفی برای انسان‌ها رخ می‌دهد، که با توجه به نوع جهانبینی افراد، متفاوت است. از جمله

^۱. رقیه رضایی آدریانی، طلبه سطح ۴/ گروه تفسیر تطبیقی، مدرسه علمیه، خوراسگان، ایران. ایمیل:

fa.rezai1360@gmail.com

^۲. دکتر ابراهیم رضایی آدریانی، استادیار جامعه المصطفی العالمیه، اصفهان. erezaei@ymail.com

حوادث مشترک بین همه انسان‌ها دیدار با پیامبر خاتم و وصی برحقش است، که در پژوهش‌های قبلی و در کتب روایی، تفسیری به این مطلب به صورت گذار اشاره شده است، فقط در حد ذکر روایات دیدار افراد در حالت احتضار با پیامبر اکرم و اهل بیتش مطرح و آثاری به صورت پراکنده ذکر شده است. به طور قطع باورها و اعتقاداتی وجود دارند که می‌توانند به انسان آرامش و اطمینان خاطر در لحظات پایانی زندگی ببخشند. در پژوهش پیش رو با شرح و تفسیر آیات مربوطه و روایات وارده، ابتداء به کیفیت این دیدار اشاره، و در ادامه به بیان حالات‌های مختلف انسان‌ها در لحظه جان‌کندن پرداخته می‌شود. اینکه نقش اهل بیت در هنگام جان‌کندن انسان‌ها به چه صورت است و حضور اهل بیت در آن لحظات چه تأثیری بر احوالات انسان‌ها می‌گذارند. و آثار بهرمندی افراد از ولایت تکوینی پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان تا چه حدی می‌باشد. این پژوهش درصدد است، تا به این سوال پاسخ دهد، که پذیرش و پیروی از ولایت چه تأثیری بر روح و روان انسان در آستانه مرگ دارد و چگونه می‌تواند به او در عبور از این مرحله حساس کمک کند.

پیشینه پژوهش

پژوهش در خصوص آثار و برکات اعتقاد به ولایت پیامبر و اهل بیت (ع) در آستانه مرگ، موضوعی است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران اسلامی بوده است. این موضوع به دلیل اهمیت فراوان مرگ در زندگی انسان و نقش اعتقادات دینی در ایجاد آرامش و امیدواری در این مرحله از زندگی، همواره مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. آیات متعددی در قرآن کریم به اهمیت ایمان، تقوا و پیروی از پیامبر و اولیای الهی اشاره دارد که به طور غیرمستقیم به موضوع مورد بحث ما مرتبط است. روایات متعددی از ائمه معصومین (ع) در خصوص اهمیت ولایت، آثار ایمان به آن و آرامش روحی ناشی از این ایمان وجود دارد. این روایات، منبع غنی برای پژوهشگران در این زمینه است. بسیاری از بزرگان دین و مفسران قرآن، به تفسیر آیات مرتبط با ولایت پرداخته و آثار اعتقاد به آن را در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها بررسی کرده‌اند. در مطالعات معاصر نیز پژوهش‌هایی در زمینه آثار اعتقادات دینی بر سلامت روان و کیفیت زندگی انجام شده است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اعتقاد به خدا، دین و باورهای مذهبی می‌تواند به کاهش اضطراب، افسردگی و افزایش امیدواری و رضایت از زندگی کمک کند. با این حال، پژوهش‌های مستقیمی که به طور خاص به بررسی آثار پذیرش و پیروی از ولایت پیامبر و اهل بیت (ع) در آستانه مرگ پرداخته باشند، به تعداد محدودی یافت می‌شود. بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه، به صورت ضمنی و در قالب بیان معنای واژگانی مانند ولایت و انواع ولایت پرداخته شده است مقالاتی مانند ۱- معناشناسی ولایت از منظر قرآن از محمد نظیر عرفانی که به طور دقیق این واژه مورد واکاوی قرار گرفته است. ۲- و مقاله جلوه‌هایی از ولایت تکوینی از آقای احمد بهشتی حتی مقالاتی مانند ۳- رابطه ولایت تکوینی با انتعاش به ارواح اولای الهی از آقای مهدی فرمانیان و یا اثری که از مفسرانی مانند ایت الله صاف یگلیاگانی و یا آیت الله مصباح موجود است بیشتر در زمینه انواع ولایت و جلوه‌های ولایت تکوینی است، و تا کنون اثری که اشاره داشته باشد به آثار این ولایت در لحظات احتضار و آثار آن وجود ندارد که پژوهش حاضر سعی دارد بعد بیان معنای واژگان ولایت و انواع آن به یکی از جلوه‌های مهم ولایت تکوینی در هنگام احتضار انسان‌ها بپردازد. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که موضوع آثار و برکات پذیرش و پیروی از ولایت پیامبر و اهل بیت (ع) در آستانه مرگ، موضوعی است که نیازمند پژوهش‌های بیشتر و دقیق‌تری است که می‌تواند به شناخت بهتر این موضوع و ارائه راهکارهایی برای تقویت ایمان و امیدواری در

افراد کمک کند. همچنین، نتایج این پژوهش‌ها می‌تواند در حوزه‌های مختلفی مانند روانشناسی، مشاوره و مراقبت‌های پایان زندگی مورد استفاده قرار گیرد.

مفهوم شناسی

ولایت در لغت: ولایت از ماده ولی و از سه حرف (و ل ی) تشکیل شده است. به معنی قرب و نزدیک است، بعد از نزدیک شدن، دور شد و به معنای پشت سر هم قرار گرفتن دو چیز که رابطه‌ای بین آن دو باشد. (جوهری، ۱۴۰۷م، ج ۶، ص ۲۸) (ابن فارس، ۱۴۲۲م، ص ۱۰۴۶) و (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۲۰۲)

ولایت در اصطلاح علم کلام: مساله ولایت یکی از مسائل مورد تنازع بین شیعه و اهل سنت می‌باشد، از نگاه شیعه ولایت در امتداد نبوت است و همه شوونی که برای نبوت وجود دارد برای مقام ولایت نیز وجود دارد به جز و بحث نبوت، از نگاه شیعه ولایت شرایط و ویژگیهای خاصی دارد مانند، مصونیت از خطا، انتصاب الهی، داشتن علم الهی، واجب‌الاطاعه بودن...، اما اهل سنت معتقد است که امامت الهی همانند نبوت و رسالت با رحلت پیامبر اکرم صلوات الله علیه به پایان رسید، و انتخاب آن به دست مردم است، (جرجانی، ۱۴۱۹، ص ۲۳۵)

ولایت تکوینی:

ولایت تشریحی:

ولایت از نگاه آیات قرآن:

ولایت در قرآن بر دو قسم می‌باشد. ۱- ولایت شیطانی ۲- ولایت قرآنی
ولایت شیطانی را با دو عنوان ولایت شیطان یا ولایت طاغوت نامبرده است و آیاتی مانند (إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ) (آیه ۲۷ سوره اعراف) و (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) (آیه ۲۵۷ بقره) به آن اشاره دارد.

۲- ولایت رحمانی

ولایتی که از قرآن به رسمیت شناخته شده است، بالاترین و کاملترین مرحله آن مربوط به ولایت مطلقه الهی است. این نوع ولایت بر دو قسم

۱-۲- ولایت تکوینی: عبارت است از نفوذ اراده در عالم آفرینش که در مرحله اول مربوط به خداوند است و در مرحله بعدی مربوط به انسانهای کاملی است، که با اذن الهی در عالم تصرف دارند. (جوادی املی، ۱۳۷۹، ص ۳۵) که این نوع ولایت بر دو قسم قابل تصور است.

الف: قدرت تصرف در جهان هستی، خداوند اراده و حکم انسانهای کامل را در جهان نافذ قرار داده است. این نوع از ولایت قطعاً برای انسانهای کامل وجود دارد. که نمونه های فروانی برای انبیاء گذشته نقل کرده است. (وَلَسْلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ، ۸۱ انبیاء) و همچنین در مورد معجزات حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت موسی علیه السلام (۴۹ ال عمران، ۲۶۰ بقره)

ب: در اختیار داشتن مجرای تکوین، خداوند مجرای امور عالم را به انسانهای کامل تفویض کرده است. یعنی پیامبران و امامان معصوم واسطه فیض الهی هستند، و به برکت وجود آنان فیض الهی به موجودات عالم رسیده است. و تداوم فیض الهی نیز موهون تداوم فیض وجود آنان است.

مرگ

واژه مرگ در قرآن کریم در قالب چهار لفظ آمده است. موت، قتل، هلك، وفی

۱- ماده (م و ت) یعنی ضد الحياه (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۶۶) این واژه به حسب معنای حیات در پنج معنا به کار رفته است. ۱-۱- هنگامی که قدرت رشد کنندگی در گیاه و یا حیوان از بین می رود. ۱-۲- از بین رفتن حواس پنجگانه ۱-۳- مرگی که در آن قوه عاقله از بین می رود که همان جهالت است. ۱-۴- اندوه و حزنی که یک نوع زندگی مرگبار را برای انسان ایجاد می کند. ۱-۵- جدا شدن روح از بدن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، جلد چهارم، ص ۷۸۱)

۲- ماده (ق ت ل) ازاله روح است از بدن، مثل مرگ، لیکن چون بکشنده اطلاق شود، قتل گویند (زمخشری، ۱۳۸، ص ۱۳۳). و باعتبار از بین رفتن حیات، موت گفته می شود. (قرشی، ۱۳۷۱، جلد ۵، ص ۲۳۲)

۳- ماده (ه ل ک) به معنای مات (ابن منظور، ۱۳۶۹، جلد ۱۰، ص ۵۰۳) از نگاه راغب در سه معنا آمده است. ۱- در بیشتر موارد به معنای مرگ است. ۲- چیزی نزد ما نیست و نزد دیگری می باشد ۳- چیزی با فساد از بین برود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، جلد ۴، ص ۸۴۴)

۴- ماده (وفی) اینکه هنگام قبض روح انسان ها در آیات قرآن از واژه توفی استفاده می شود، باید بررسی شود که این واژه به چه معناست و چرا به قبض روح، توفی گفته می شود. توفی از ماده «وفی» کلمه ای است که بر کامل ساختن و به پایان بردن دلالت می کند؛ بدین جهت است که بر ادای کامل پیمان و شرط، وفا گفته می شود و «توفیت الشیء و استوفیت» به این معناست که آن را به طور کامل گرفتیم، و چیزی از آن را باقی نگذاشتیم. (ابن فارس، ۱۴۰۴، جلد ۶، ص ۱۲۹) وفی به عهد که ضد آن مکر و فریب است، وافیا یعنی فلانی حقش را کامل گرفت، وفاؤه یعنی مرگ و توفی به معنای قبض روح می باشد. (فیروز آبادی، ۱۴۱۵، جلد چهارم، ص ۴۶۳) هنگامی به یک شیء گفته می شود «وفی و تم» که به نهایت کمال رسیده باشد، چنان که کاربرد «وفیت اجره» در زمانی است که تمامی اجرت او را به تمام و کمال پرداخت نمایی. (فراهیدی، ۱۴۰۹، جلد سوم، ص ۱۹۷۱) هر چیزی که به نهایت کمال خودش برسد به معنای توفی است. (حسینی زبیدی، ۱۳۸۵، جلد بیستم، ص ۳۰۱) از آنجایی که بعضی از واژه های مورد اشاره، به این واژه برگشت داده می شود مانند واژه (موت)، لذا به نظر می رسد از بین چهار واژه موت، قتل، هلك، و وفی، کامل ترین واژه، واژه وفی است، که معانی دیگر به آن برگشت می کند.

احتضار

ر) منظور همان لحظات آستانه مرگ انسانها ست

واژه احتضار (ح ض ر) به معنای حاضر شدن ضد غائب است (ابن منظور، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۱۹۴) کسی که مرگ برای او حاضر شده است (راغب، ۱۴۱۲، ج چهارم، ص ۲۴۱) مشرف شدن بر کسی و او در حالت کندن باشد. (فیومی، ۱۴۲۸، جلد دوم، ص ۱۴۱) گویا منظور این است که ملک الموت بر او مشرف می شود و او در حالت کنده شدن روح از بدن باشد. در علت نامیدن شخص در حال مرگ به محتضر مواردی ذکر شده است؛ همچون: حضور ملائکه نزد مریض یا حضور ائمه خصوصاً امیرالمؤمنین یا حضور مؤمنین برای تشییع و (عاملی، ۱۴۱۰، ج دوم، ص ۵۲)

ماده احتضار به معنای مورد نظر در اینجا، در آیات قرآن نیامده است. البته آیاتی در مورد محتضر به غیر از ماده احتضار وجود دارد. مانند: «فلولا اذا بلغت الحلقوم و أنتم حينئذ تنظرون» پس چرا هنگامی که جان به گلوگاه می رسد، توانایی بازگرداندن آن را ندارید. و شما در این حال نظاره می کنید، و کاری از دستتان ساخته نیست. (سوره واقعه، آیات ۸۳ و ۸۴) ابی بصیر از امام صادق (علیه السلام) درباره معنای این آیه سؤال کرد و امام فرمودند: مؤمن در حال احتضار جایگاه خود را در بهشت مشاهده می کند، و می گوید مرا به دنیا بازگردانید تا به اهل دنیا از آنچه می بینم خبر هم. (مجلسی، ۱۳۵۷، ج ۶، باب هفتم، حدیث دهکفیت)

الف- کیفیت درک ولایت اهل بیت در آستانه مرگ

بعد از مشخص شدن معنای دقیق واژه های ولایت، مرگ و احتضار، باید بررسی گردد که حیطه ولایت تکوینی پیامبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه و ائمه معصومین علیهم السلام تا چه حدی می باشد و آثار این ولایت در آستانه مرگ انسانها چگونه مطرح می شود. هنگام جان کندن انسانها چه حوادثی برای افراد رخ می دهد؟ مهمترین حادثه این است که پیامبر خاتم و اهل بیتش در هنگام جان کندن انسانها حاضر می شوند، مانند روایت معروف امیرالمؤمنین با توجه به منابع روایی موجود در بین شیعه و اهل سنت، علیه السلام که به صحابه خود حارث همدانی فرمودند: ای حار همدان هر کسی که بمیرد من را می بیند، مومن باشد یا منافق قبل از اینکه من را بشناسد، من او را با نام می شناسم. (قدوسی، ۱۴۲۲، جلد اول، ص ۲۱۳) البته نوع برخورد این بزرگواران با شخص در حالت احتضار متفاوت می شود. و بستگی به این دارد که آن شخص ولایت آن بزرگواران را قبول دارند، و محبت اهل بیت در قلبشان وجود دارد یا خیر.

پیرامون چگونگی کیفیت این دیدار، در کتب تفسیری و کلامی به دو نوع مشاهده اشاره شده است. ۱- اینکه این نوع مشاهده در حد دیدار با آثار ولایت است، و افراد در حال احتضار از روی آثار ولایت به اهل بیت Δ ، در کنار بسترشان پی می برند. یعنی علم به ثمره ولایت. به عبارت دیگر علم پیدا می کند، به نتیجه دوستی و ولایت ایشان و آثار دشمنی و عداوت با ایشان. و این معنای حقیقی رؤیت محتضری است. دلیل این عده برای این قول، دو آیه سوره زلزال است که فرمود: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» که در اینجا هم منظور از «رویت اعمال» رویت حسی و ادراک حسی نیست. بلکه مراد از آن «علم و شناخت» به ثمره اعمال است. (مفید، ۱۴۱۳، ص ۷۳)

-نظر دوم این است که، انسانها در هنگام مرگ پیامبر اکرم P و اهل بیت Δ را به عینه مشاهده می کنند و حضرات آنها را به عینه می شناسد، و آنها نیز حضرت را می شناسند. (طهرانی، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۲۸۳-۲۹۰، رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۳۶۷)

نقد و بررسی دو نظر

دسته اول بر این عقیده هستند، که نوع ملاقات با اهل بیت Δ به صورت علم و شناخت است. و انسانها از آثار وجودی ولایت تکوینی حضرات معصومین پی به وجود ایشان می برند، و از روی معنای واژه (یری) و تطبیق آن بر آیات سوره زلزال به این نتیجه رسیده اند که (یره) به معنای علم و شناخت است. و همین معنای برداشت شده را بر حدیث امیرالمؤمنین علی Δ خطاب به حارث همدانی، به معنای علم و شناخت تعبیر کرده اند. اما به نظر می رسد که این واژه فقط به معنای شناخت نیست

منظور از اینکه می فرمایید، آیات الهی برای شما آمد، اما شما تکذیب کردید. در تفسیر اشاره شده است، که منظور از آیات الهی، ائمه بزرگوار هستند. (قمی، ۱۳۶۳، جلد دوم، ص ۲۵۱). کفار اعتراف می کنند، که ما از کسانی بودیم که پیامبر اکرم و قرآن و مومنان را در دنیا مسخره می کردیم (۴۱ سوره انبیاء). اگر الان به دنیا برگردیم از مومنان خواهیم شد. لذا با مشاهده جایگاه ویژه مومنان و دوست داران پیامبر اکرم و جانشینان بزرگوارشان حسرت می خورند که ای کاش الان راه جبرانی برای ما بود. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۷)

وما از پیروان راستین آنان و از هدایت یافته گان می شدیم، و ای کاش کسانی که هنوز برای آنان دیر نشده است، و فرصت جبران اعمال را دارند، تغییری در روش زندگی خود بدهند. و از پیروان راستین پیامبر اکرم P و جانشینان ایشان باشند تا دچار این نوع حسرت ها نشوند.

طبق آیه، اگر خدا می خواست، همه شما را امت واحدی قرار می داد، و همه را به اجبار وادار به ایمان می کرد. اما ایمان اجباری فایده ای ندارد. (سوره الحاقه، آیات ۴۸-۵۰) هدایت اجباری و ایمان اجباری هیچ ارزشی ندارد. انسان ها باید با اختیار خود، مسیر هدایت را پیدا کنند. قطعاً مسیر مستقیمی که راه پیامبر اکرم P و جانشینان بزرگوارانش می باشد. (سوره نساء، آیه ۶۹) لذا کسانی که از پیروان راستین دین الهی باشند. و مسیر انبیاء و اولیاء را ادامه بدهند دچار اینچنین حسرتی نخواهند شد.

* کوتاهی بر استفاده نیکو از عمر: (أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنِّي كُنتُ فَكُّونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ) (سوره زمر، ۵۸)

هنگامی که کافران در قیامت جایگاه های مومنان را مشاهده می کنند، حسرت می خورند که ای کاش برای آنها بازگشتی بود و به دنیا بر می گشتند، تا از محسنان باشند. خداوند خطاب به اینان می فرماید اگر بازگشتی در کار باشد، باز هم اینها به همان کارهای خودشان ادامه می دهند. و آنها از دروغ گویان هستند (سوره انعام، آیه ۲۸)، این آیات بیان گر این نکته است که، کسانی که در دنیا از محسنان هستند، از چه جایگاه ویژه ای بهره مند هستند.

با توجه به آیات قرآن کریم، مشخصاتی برای محسنین ذکر شده است. مانند اینکه آنها در سختی و راحتی اهل انفاق هستند. کظم غیظ می کنند، و اهل گذشت هستند. (سوره ال عمران، آیه ۱۴۳) و همچنین در سوره صفات تعدادی از انبیاء به عنوان محسنین نام برده شده اند، مانند حضرت نوح و ابراهیم و حضرت موسی و هارون E. و همچنین ال یاسین E که منظور پیامبر اکرم و ال ایشان می باشد. (سوره صفات، آیه ۱۳۰) که از محسنان هستند. و در قیامت از جایگاه ویژه ای برخوردارند، که قطعاً این جایگاه برای پیروان واقعی آنان هم خواهد بود. (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۲۱، ص ۴۳) لذا این حسرت خوردن برای محسنین و پیروان آنها وجود ندارد.

۲- حسرت بر تکذیب قرآن: (وَإِنَّهُ لَتَذَكُّرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ. وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ. وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ)

با توجه به آیات قبلی سوره الحاقه، که می فرماید اگر پیامبر اکرم P چیزی بر قرآن اضافه کنند، ما رگ گردن او را قطع می کنیم، تمام مفسران بر این نظر هستند. که منظور از تذکره در این آیات قرآن کریم می باشد. و در قیامت عده ای حسرت می خورند که چرا به قرآن ایمان نیاوردند، و چرا به آیات آن عمل نکردند. به نظر می رسد طبق آیه ۸۴ سوره بقره نیز چنین حسرتی برای کسانی که به تعدادی از آیات قرآن عمل می کنند، و به تعدادی عمل نمی کنند، نیز وجود دارد. تنها کسانی که به همه آیات این کتاب الهی عمل کردند. از چنین حسرتی مستثنا هستند. از آنجایی که بسیاری از آیات قرآن در شأن امیر المومنین علی E می باشد، لذا افرادی که به این آیات اعتقادی ندارند، و پیروان واقعی اهل بیت پیامبر E نمی باشند، دچار چنین حسرتی خواهند شد.

۳- حسرت جدایی از خوبان و رفاقت با بدان: (وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا * يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا) (سوره فرقان، آیات ۲۷ و ۲۸) از دیگر حسرت هایی که در قیامت دامنگیر بعضی از افراد می شود. این که چرا در انتخاب دوست دقت نکردیم.

در مورد شأن نزول آیه مطرح کرده اند که در مورد عقبه ابن ابی معیط است، که از اسلامش برگشت، به خاطر رضایت دل دوستش یعنی ابی ابن خلف، که در قیامت هنگامه مواجه با عذاب ارتداد، حسرت می خورد. که ای کاش با فلانی دوست نبودم. (ابوحمره ثمالی، ۱۴۲۰، ص ۱۹۲۳). در بعضی از تفاسیر اشاره می کند، که منظور از این آیه کسانی هستند که حسرت می خورند، که ای کاش

همراه با پیامبر بودیم، منظور غبطه خوردن به مقام امیر المومنین است، که از همراهان همیشگی رسول اکرم صلوات الله و سلام علیه بود (قمی، ۱۳۶۳، جلد دوم، ص ۱۲۲)، چنین حسرتی نیز مانند حسرت خوردن موارد قبلی، موقعی برای انسان پیش می آید که جایگاه پیامبر اکرم P و جانشینان بزرگوارشان و حتی در درجه بعدی پیروان این بزرگواران برای بقیه مشخص می شود.

۴- حسرت به خاطر داشتن اعمال ناپسند: (وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّا كَرِهْنَا فَنَتَّبِعُوا مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ) (سوره بقره، آیه ۱۶۳)

در این آیه اشاره می کند، که یکی از اتفاقات مهمی که برای انسان ها بعد از مرگ اتفاق می افتد. اعلام برائت و بیزاری، سرکردگان طاغوت ها از کسانی هستند که، آنها را تبعیت کرده اند. دقیقاً همین اتفاق در مورد ابلیس و پیروی کنندگان از او اتفاق می افتد. که شیطان از آنها اعلام برائت می کند. و به آنان جواب می دهد که (فلا تلمونی، لوموا انفسکم مرا سرزنش نکنید بلکه خودتان را سرزنش کنید) (سوره ابراهیم، آیه ۲۲) اما بنگیرید به شرح حال کسانی که دنباله رو نبی مکرم اسلام بودند. و جانشینان بزرگوارشان. که به خاطر رفتن به راه پیامبر اکرم و اهل بیت نبوت ایشان، در هنگام جان کندن این بزرگواران در کنار بستر آنان حاضر می شوند. و ایمان آورندگان به آنها از انوار ملکوتی شان بهره می برند، و جان کندنی راحت دارند. در بقیه مراحل نیز، تا رسیدن به جنات نعیم اهل بیت در همه جا به داد آنها می رسند، و دستگیر آنها خواهند بود. که در بقیه فصول و سایر نقش ائمه به آن اشاره می شود.

۵- حسرت از دست دادن جنب الله (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) (سوره زمر، آیه ۲۵) معنای جنب الله با توجه به نظرات مفسران موارد متعدد می باشد. از جمله اینکه به معنای قرب پروردگار می باشد (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۳۸۲) و یا به معنای کوتاهی از امر الهی، (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۴، ص ۱۳) یا به معنای ضایع کردن اطاعت خداوند است. (همان، ص ۱۳) و یا به معنای جوار خداوند و قرب او که منظور بهشت می باشد. (طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۵، ص ۳۸۲) در بعضی از تفاسیر اشاره شده است که منظور از جنب الله، امام است. و مردم روز قیامت حسرت می خورد، که چرا در مورد مقام ولایت کوتاهی کرده اند. (کوفی، ۱۴۱۰، ص ۳۶۷) فرات ابن ابراهیم از امام سجاد ع نقل می کند که روز قیامت، خداوند به نگهبانان جهنم می فرماید: که کلیدهای جهنم را به علی ع بسپارید. پس داخل می کند در جهنم هر کسی را که بخواهد، و داخل می کند در بهشت هر کسی را که بخواهد، (همان، ص ۳۶۷) موارد اشاره شده، گزیده ای از نمونه حسرت هایی است، که شخص هنگامی که حجابها از جلوی چشمان او برداشته می شود، و نشانه های عالم آخرت را مشاهده می کند، دچار آن میشود.

اثر دوم: برطرف کردن سختی ها و شداید هنگام جان کندن

یکی دیگر از فوائدی که محبین اهل بیت و پیروان ولایت، در حالت احتضار از حضور اهل بیت E بهره می برد، این است که برای آنان سختی ها و شدائد هنگام جان کندن وجود ندارد. از نافع، از ابن عمر فرمود: أَلَا وَ مِنْ أَحَبِّ عَلَيَّا هَوْنُ اللَّهِ عَلَيْهِ سَكَرَاتُ الْمَوْتِ، وَ جَعَلَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، هَر كَس عَلِي رَا دَوْ سَتَا شَتَه بَا شَد هَوْل وَ هَرَا سَ هَنَكَا مَ مَرَكَّ رَا نَدَارَد. (ایچی، ۱۴۲۸، ج اول، ص ۲۳۲) برای کسی که محب امیر المومنین علی ع می باشد، سكرات و سختی های جان کندن وجود ندارد. در آیات قرآن جان کندن عموم مردم سخت و شدید توصیف شده است. که در ادامه به برخی از سختی های محتضر اشاره خواهد شد.

۱- سختی جانکاه مرگ: جانکاهی و دهشت آوری حالت احتضار، از دیگر اموری است که در آیات قرآنی به آن اشاره شده است (وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ) (شوشتری، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۳۴۱) هنگامی که قرار است، روح از جسم جدا شود و به عالم ابدی برده شود، برای افراد مختلف حالات متفاوتی ایجاد می شود. عده ای دچار سختی های زیادی می شوند، اما عده ای به راحتی جان می دهند. که تایید این مطلب در آیات قرآن وجود دارد. (فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ) بیان گر این است که مومنان گویا گلی خوشبو را بو می کنند، و جان می دهند، طبق مطالبی که در قسمت های قبل گفته شد و حدیث معروف امیر المومنین که من یمت یرنی، همه امیر المومنین علی ع را می بینند، و از آثار ولایت این بزرگوار استفاده می کنند. یعنی محبت ائمه معصومین باعث

می شود که، جان کندن را راحت داشته باشند، و دچار سكرات مرگ نشوند. (صفار، ۱۴۰۴، ص ۲۵۱) اما کسانی که در طول عمر شان دنبال رو ایشان نبودند، و نخواستند که از حضرت بهره ببرند، در آن لحظات با سختی های فراوانی روبه رو، هستند.

۲- سختی دیدن چهره غضبناک ملك الموت، کسانی که از پیروان واقعی پیامبر اکرم واثمه باشند، هنگام جان کندن با چهره مهربان ملك الموت مواجه می شوند، برعکس کفار با چهره ای عبوس و عصبانی برخورد می کنند، که مشاهد این صحنه از مهمترین سختی های لحظات جان کندن محسوب می شود.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (سوره انعام، آیه ۹۳). در این آیه اشاره می کند، به اینکه کفار بر این عقیده هستند، که قرآن کلام الهی نیست. و ادعا می کنند که بر آنها نیز وحی خواهد شد. لذا ملائکه در هنگام غمرات موت، و هنگام خارج کردن نفس آنان عذاب سختی برای این دسته از کفار خواهد بود. اما در راستای این دسته از آیات و روایات، روایاتی موجود است که برای مومنان و محبان اهل بیت جان کندن را راحتی وجود دارد، و چنین سختی هایی وجود ندارد.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أول من اتخذ علي بن أبي طالب أخا من أهل السماء، اسرافيل، ثم ميكائيل، ثم جبرئيل. و أول من أحبه من أهل السماء، حملة العرش، ثم رضوان، خازن الجنان، ثم ملك الموت، و ان ملك الموت يترحم على محبي علي بن أبي طالب كما يترحم على الأنبياء عليهم السلام. (ابن مغازلي، بی تا، جلد اول، ص ۷۲)

ابوالقاسم احمد ابن حسين با چند واسطه از پیامبر اکرم P نقل می کند، هنگامی که مومن، ملك الموت برای او حاضر می شود، مانند حریری از مشك، روح او دریافت می شود و به او گفته می شود ای راضیه مرضیه خارج کن روح را، اما برای کافر هنگامی که ملك الموت حاضر می شود، به او گفته می شود که ای نفس خبیث خارج شو، پس روحش با انتزاع شدید کشیده می شود. (سمرقندی، ۱۴۱۶، جلد اول، ص ۴۶۸)

سومین اثر: مردن همانند شهید

کسانی که با قبول ولایت اهل بیت علیهم السلام و محبت آنان از دنیا بروند، گویا شهید از دنیا رفته اند.

شهادت در فرهنگ دین مقدس اسلام دو معنای متفاوت دارد:

۱- معنای خاص. که همان کشته شدن در معرکه و میدان جنگ (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲۰، ص ۴۹۴)

۲- معنای گسترده و عام. که انسان در مسیر انجام دادن وظیفه الهی کشته شود و یا بمیرد. پس هر کس در حین ادای وظیفه ای به هر صورت از دنیا برود، شهید است، چنان که در روایات اسلامی نیز آمده که چند گروه شهید از دنیا می روند:

۱-۲- کسی که در طریق تحصیل علم از دنیا برود. پیامبر اکرم P می فرماید: «إذا جاء الموت لطالب العلم و هوی علی هذا الحال مات شهيدا. کسی که در راه تحصیل علم از دنیا برود، شهید مرده است. (مجلسی، ۱۴۰۴، جلد اول، ص ۱۸۶)

۲-۲- کسی که در بستر از دنیا برود، ولی به حق پروردگار و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت معرفت داشته باشد. بنابراین، کسانی که عقیده حق داشته و در مسیر حقیقت گام بر می دارند و در همین راه از دنیا می روند، براساس اشاره قرآن کریم و روایات اسلامی در زمره شهدا قرار دارند، و اجر شهداء را می برند. خداوند متعال می فرماید: وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ و آنان که به خدا و رسولانش ایمان آورند، به حقیقت راستگویان عالمند و برایشان نزد خدا اجر شهدایان است، پاداش اعمال و نور ایمانیشان را (در بهشت) می یابند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، جلد ۲۳، ص ۳۴۹)

۳-۲- کسی که برای دفاع از مال خویش در برابر مهاجمان ایستادگی کند و کشته شود. امام صادق علیه السلام می فرماید: کسی که برای دفاع از مال خود (در برابر مهاجمان) ایستادگی کند و کشته شود، شهید است. «(محمّدی ری شهری، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۹۸)

۴-۲- و عن النبی صلی الله علیه و آله أنه قال: ألا و من مات علی حبّ آل محمّد مات شهیداً، ألا و من مات علی [حبّ] آل محمّد مات مؤمناً [مستکمل الايمان]، (ابن صباغ، ۱۴۲۲، جلد اول، ص ۵۹۳)

بنابراین، شهادت مراتبی دارد که والاترین درجه آن شهادت در معرکه نبرد با دشمنان اسلام است. و مراتب دیگر برای کسانی که در راه طلب علم باشند و از دنیا بروند. و یا کسانی که برای دفاع از مالشان کشته شده باشند. از دیگر افرادی که همچون شهدا از دنیا می روند، و به مقام شهادت می رسند، محبان و پیروان پیامبر اکرم صلوات الله و سلامه علیه جانشینان بر حقش می باشد.

نتیجه گیری

با توجه به آیات قران و روایات وارد شده، این مطلب حاصل می شود، که پیامبر اکرم صلوات الله و سلام علیه واهل بیت بزرگوار ایشان در هنگام جان کندن افراد ورحلت از دنیا در کنار آنان حاضر می شوند. اما نوع دیدار برای همه یکسان نمی باشد. عده ای پیامبر اهل بیت علیهم السلام را به عیان می بینند. و عده ای از آثار ولایت آنان بهره می برند. که این مطلب بستگی به نوع اعتقادات و رفتار افراد در قبال اهل بیت Δ دارد. در آن لحظاتی که پرده های حجاب جلوی چشم انسانها کنار می رود، و جایگاه خودشان را می بینند، و آثار ولایت ائمه Δ را مشاهده می کنند. دچار حسرت واندوه می شوند، به خاطر گذشته ای که از دست داده اند، اما پیروان واقعی ولایت دچار این حسرتها نخواهند شد. دیدار با امام علی Σ باعث نجات آنها از سختیها می شود. حسرت های لحظات جان کندن برای آنان وجود ندارد، چرا که در طول عمر سعی کرده اند همواره پیرو ولایت باشند. واز همراهان ودوست داران ولایت هستند. محبت به اهل بیت باعث می شود کهسختیهایی که کفار هنام جان کندن با آن مواجه می شوند، برای محبان وپیروان ولایت وجود نداشته باشد. جان کندن راحت دارند و ملک الموت هنگام قبض روح با آنان با نرمی رفتار کند از دیگر اثرات اینکه چنین افرادی با شهادت از دنیا می روند.

عدم تعارض منافع

در پایان از جناب آقای دکتر ابراهیم رضایی کمال تشکر را دارم

فهرست منابع

*قرآن

- ۱- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۶، بی جا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴. ه.ق
- ۲- ابن منظور، ابن مکرم، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دار الفکر، ۱۳۶۹ ه. ش
- ۳- ابو الفتح رازی، حسین ابن علی، روض الجنان و روح الجنان، ج ۸، چ ۱، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ه. ق.
- ۴- ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، چ ۱، دارالمفید، بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق.
- ۴- ایجی، احمد بن محمد، فضائل الثقلین من کتاب توضیح الدلائل علی ترجیح الفضائل، ج ۱، بی جا، تهران: مجمع العامی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۸ ه. ق
- ۵- بحرانی، هاشم ابن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۲، چاپ اول قم، الموسسه البعثه، ۱۴۱۵ ه. ق

- ۶- جزایری، نعمت الله بن عبدالله، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، ج ۵، چ ۱، قم: نوروحی، ۱۳۸۸هـ ش.
- ۷- جوهری، اسماعیل ابن حماد، تاج اللغة وصحاح العربیہ، چ اول، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۳۷۶هـ ش
- ۸- حسینی زبیدی، مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، چ ۱، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- ۹- حسینی طهرانی، محمد حسین، معاد شناسی، ج ۱، چ ۱، مشهد: انتشارات نور الملکوت قرآن، ۱۴۲۷هـ ق.
- ۱۰- حموی جوینی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطین، بی چا، بیروت: موسسه المحمودی، ۱۴۰۰هـ ق .
- ۱۱- رازی، حسین بن علی ابو الفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، چ ۱، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸.
- ۱۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، چ اول، بیروت، دار الشامه، ۱۴۱۲ هـ ق
- ۱۳- زمخشری، محمود ابن عمر، مقدمه الأدب، چ اول، تهران، مطالعات اسلامی دانشگاه، ۱۳۸۶ هـ ش
- ۱۴- سمرقندی، نصرین محمد، تفسیر السمرقندی (بحر العلوم)، ج ۱، چ ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶هـ ق
- ۱۵- شوشتری، نورالله بن شریف الدین، احقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۲۲، بی چا، قم: کتابخانه عمومی آیت الله مرعشی نجفی (ره) ۱۴۰۹هـ ق،
- ۱۶- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، بی چا، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱هـ ق.
- ۱۷- طبرانی، سلیمان بن احمد، تفسیر القرآن بن عظیم، ج ۵، چاپ اول، اردن، دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
- ۱۸- طبرسی، فضل ابن حسن، تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ۲۱، ۲۵، ۲۶، چ سوم، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲هـ ش
- ۱۹- طبری، محمد ابن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲هـ ق
- ۲۰- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، چ ۲، تهران: اسلام، ۱۳۷۸هـ ش .
- ۲۱- عطّار، احمد بن الغفور، جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیہ، ج ۱، چ ۳، بی جا: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۴.
- ۲۲- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۳، چ ۲، قم: موسسه دارالحجره، ۱۴۰۹هـ ق .
- ۲۳- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، ج ۴، چ ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۸هـ ق .
- ۲۴- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، بی چا، بیروت: المکتبه العصریه، ه ق ۱۴۲۸.
- ۲۵- قریشی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۶، ۴، بی چا، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱هـ ش
- ۲۶- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، چ ۳، قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴هـ ق
- ۲۷- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لدوی القربی منظمه الأوقاف و الشئون، ج ۱، ۳، ۴، چ ۱، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶هـ ق
- ۲۸- کاشانی، فتح الله بن شکرالله، منهج الصادقین فی الزم المخالفین، ج ۱۰، چ ۱، تهران، کتابفروشی السلامیه، بیتا.
- ۲۹- کوفی، فرات ابن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، ج ۱، چ ۱، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰هـ ق
- ۳۰- مکارم شیرازی، ناصر، نمونه، جلد ۲۴، چاپ بهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶هـ ش
- ۳۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷، بی چا، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۴هـ ق
- ۳۲- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد ۵، چاپ اول، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۹هـ ق
- ۳۳- موسوی عاملی، محمد، مدارک الاحکام، ج ۲، بی چا، مشهد: آل بیت [۱] لإحياء التراث، ۱۴۱۱هـ ق
- ۳۴- مفید، محمد بن محمد، اوائل المقالات، بی چا، کنگره هزاره شیخ مفید، ۱۳۷۲هـ ش